

تأمین مطالبات زنان در سیره پیامبر اکرم ﷺ

عالیه خاوری^۱

چکیده

حکومت اسلامی نظام برآمده از وحی الهی است که متضمن حقوق تمامی افراد جامعه از جمله زنان است. این پژوهش با محوریت این پرسش که تأمین مطالبات زنان در عصر رسول گرامی اسلام، چگونه انجام می شده است، به شیوه توصیفی، تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای سامان یافته است. یافته‌های تحقیق نشان می دهد طرح مطالبات زنان در عصر نبوی در فضایی کاملاً پذیرفته شده انجام می شده است. هدف حکومت اسلامی از احیای مطالبات و حقوق زنان، به کمال و سعادت رساندن آنان بود، لذا پیامبر ﷺ در مقابل حقوق، حدودی را هم تعیین می فرمود تا به دور از افراط و تفریط به کمال جامعه انسانی کمک کند. بنابراین، نوع طرح مسائل و مطالبات زنان و نحوه تأمین آن‌ها در حکومت نبوی به شکل معتدل و جامع می تواند الگویی برای حکومت اسلامی برای تمام انسان‌ها و همه عصرها باشد.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت دینی، نقش والدین، جنین، بارداری.

۱. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه/

مقدمه

حکومت اسلامی به مثابه یک نظام، برآمده از آموزه‌های وحیانی و الهی است که تمامی افراد جامعه را به عنوان شهروندان و صاحبان حق و نقش‌آفرینان اصلی جامعه در نظر می‌گیرد و انتظارات و مطالباتی را برای یک‌یک آحاد جامعه ایجاد کرده است. زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه در سایه تعالیم حیات بخش اسلامی امید یافتند تا به مطالبات و خواسته‌های به حق خود دست یابند و به جایگاه انسانی و الهی و ارزشمندی که اسلام برایشان ترسیم نموده، دست یابند. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸)

مطالبات زنان مبتنی بر نیازهای طبیعی و فطری آنان است که به خواسته تبدیل شده و شارع مقدس اگر مصلحت تشخیص دهد، مورد تأیید قرار داده و آن‌گاه است که حقوق زنان شکل می‌گیرد که باید صیانت شود.

در زمان حکومت پیامبر ﷺ زنان با جرئت مطالبات خود را طرح می‌کردند و پیامبر ﷺ واکنش مناسب نشان می‌داد. همچنین با توجه به سابقه تزییع حقوق زنان در زمان پیش از اسلام، مخالفت‌هایی با احیای حقوق آنان به عمل می‌آمد که رسول خدا ﷺ به شکل نظری و عملی به مبارزه و برخورد و اقناع آنان می‌پرداخت.

هدف حکومت اسلامی از احیای مطالبات و حقوق زنان، به کمال و سعادت رساندن آنان بود، لذا پیامبر ﷺ در مقابل حقوق، حدودی را هم تعیین می‌فرمود تا به دور از افراط و تفریط به کمال جامعه انسانی کمک کند. بنابراین، نوع طرح مسائل و مطالبات زنان و نحوه تأمین آن‌ها در حکومت نبوی به شکل معتدل و جامع می‌تواند الگویی برای حکومت اسلامی برای تمام انسان‌ها و همه عصرها باشد.

۱. معناشناسی مطالبات

پیش از پرداختن به چگونگی طرح و تأمین حقوق (مطالبات) زنان در حکومت پیامبر اکرم ﷺ لازم است معنای «حق» و منشأ آن معلوم شود.

«حق»، به معنای ثبوت و یا به معنای موجود ثابت یا وجود ثابت و در اصطلاح فقهی گاهی به معنای «سلطنت» است. همچنین به معنای امری است که با واقع مطابقت و موافقت دارد و به معنای جزم است. حق از اسماء زیبای خداوند است،

چون در صفات و ذات او نوعی ثبات و دوام و عدم تغییر وجود دارد. یک امتیاز است که صاحب آن دارد. (کی‌نیا، ۱۳۴۷: ۱۳-۱۱)

«عدالت»، که عام‌ترین واژه مورد قبول همه عقلاست، در محکم‌ترین معنایش، عبارت است از: دادن حق هر صاحب حقی به او. به عبارت دیگر، عدالت و حق در هم تنیده شده‌اند. پس حق اصالتاً دادنی است و در صورت عدم عدالت، حق گرفتگی خواهد شد. اما مهم این است که این حق دارای چه خاستگاهی است؟ پاسخ به این پرسش، مبنای شکل‌گیری مکاتب است که عبارت‌اند از:

۱. مکتب حقوق طبیعی یا فطری: طبق این دیدگاه مبنای حقوق موجودات، ویژگی‌های طبیعی و حیاتی انسان است (همان: ۵). طبیعت، حق هر موجودی را تعیین می‌کند؛ مثلاً طبیعت گیاه استفاده از نور و مواد غذایی زمین است. پس حق طبیعی گیاه بهره‌مندی از آن‌هاست یا انسان که نیازهای طبیعی دارد و بدون آن دوام ندارد. پس حق طبیعی او تأمین نیازهایش است.

۲. مکتب قرارداد اجتماعی: در این دیدگاه حق، ریشه در قراردادهای اجتماعی دارد. هر چه انسان‌ها در بین خود توافق کردند، همان حقوق معتبر حاکم بر جامعه خواهد بود و هیچ حقی قبل از قرارداد و حاکم بر آن وجود ندارد.

۳. نظریه حقوق الهی: در این خاستگاه خداوند، منشأ و اساس حقوق انسان است و حق دارد حقوقی را برای مردم تعیین کند و مردم مکلف به پای‌بندی به آن هستند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۲/ ۱۴۰-۱۳۷)

«خداوند»، «طبیعت» و «قرارداد اجتماعی» به عنوان خاستگاه‌های سه‌گانه حقوق مطرح شده‌اند. از سوی دیگر نیازهای بشر و مصالح او به عنوان ملاک‌های «حق» تعیین گردیده‌اند.

بشر نیازهایی دارد که تبدیل به مطالبات و خواسته‌ها می‌شود، ولی این نیازها زمانی حق‌اند که به مصلحت بشر باشند. بشر مدنی، مطالبات متزاحمی دارد و آنچه متزاحم را حل می‌کند، رعایت مصالح است؛ یعنی مصالح اهم بر مصالح مهم ترجیح می‌یابند و سپس مصالح هستند که گاهی با نیازها و مطالبات همخوانی

ندارند، لذا حاکم ناظر بر آن‌ها و تنظیم کننده آن می‌باشند. اگر طبیعت را زبان گویای نیازها و قراردادهای اجتماعی را بیانگر شفاف مطالبات بدانیم، خداوند در ترکیب این نیازها و مطالبات با تشخیص مصالح واقعی بشر، در یک برآورد عادلانه و حکیمانه حقوق بشر را مصلحت محور تعیین می‌کند. به عبارت دیگر نیازهای مطالبه شده‌ای «حق» نام می‌گیرند که به مصلحت واقعی بشر باشند و سعادت حقیقی او را تأمین نمایند.

با این جمع‌بندی، مکاتب حقوق طبیعی، حقوق اجتماعی و حقوق الهی هماهنگ می‌شوند، چرا که مسلماً خداوند به نیازهای بشر و مطالبات او آگاه است، چون خالق اوست: «لقد خلقنا الانسان و نعلم ما نسوس به نفسه، ما انسان را خلق کردیم و سوسه‌های او را هم می‌دانیم» (ق: ۱۶)؛ یعنی عمیق‌ترین زوایای وجودی او را می‌شناسد. آنچه مؤید حقوق مصلحت محور الهی است، تعدیلی است که طرفداران نظریه قرارداد اجتماعی در نظریه حقوق طبیعی پدید آوردند، زیرا دریافته‌اند که نیاز محوری صرف، به هرج و مرج می‌انجامد و حریم‌ها هتک می‌شود. بنابراین، این نظریه توسط نظریه حقوق الهی هم تعدیل می‌شود، چرا که قراردادهای اجتماعی نیز امکان فساد دارند و ممکن است یک اجتماع یا یک نژاد را بر نژاد دیگر برتر بدانند و به استعمار و استکبار بینجامند (کما که چنین شده است) حقوق الهی در نهایت به آن دسته از نیازها و مطالبات مهر حق می‌زند که به سود بشر باشد و کمال‌یابی او را تسریع کند.

حاصل آنکه، خداوند منشأ تعیین حق است که هم نیازها و هم مصالح انسان‌ها را لحاظ می‌کند. خداوند انسان را دوست دارد و کمال او را می‌خواهد و هر نیاز و مطالبه‌ای که کمال بشر را تأمین کند، حق غیرقابل سلب اوست. این است منشأ حق، یعنی خداوند حکیم بر اساس مصالح واقعی بشر حقوق او را تأیید و تأمین می‌کند و این مصالح را عقل و وحی با هم درک و دریافت می‌نمایند.

حال که حقوق عقلانی و وحیانی شد، زن و مرد نمی‌شناسد. حقوق هر دو بر اساس فرمول وحیانی عقلانی (نیاز - مطالبه - مصلحت) شکل می‌گیرد. نیاز زن و مصلحت او در حکومت اسلامی تبدیل به حقوق زن می‌شود و همین امر در

خصوص حقوق مرد نیز صادق است، اما مثلث (نیاز- مطالبه - مصلحت) در مورد هر یک از زن و مرد معلول فرایند خاص خود است. طبیعت متفاوت زن نیازهای ویژه‌ای را می‌طلبد و مطالبات هماهنگ با نیازها و مصالح زنان در نظام و حیانی، حقوقی ویژه ایجاد می‌کند.

پیامبر اعظم ﷺ که متصل به منبع وحی و عقل کامل است، مجموعه‌ای از حقوق را ارائه می‌کند که رونوشتی از تکوین است و سرشتی کمال آفرین دارد. شاید در مسیر کمال همه چیز خوشایند نباشد، ولی چاره‌ای نیست. هر چه ما را به کمال و سعادت برساند، حق است و باید از آن صیانت شود. حق آن نیست که بشر مطالبه دارد، بلکه حق آن است که به مصلحت اوست و باید آن را مطالبه کند و خالق هستی نیز باید آن را امضا نماید و همان مطلوب است، نه آنچه فرد یا جمع تشخیص می‌دهد و می‌نویسد.

رسول خدا ﷺ حقوق کمال آفرین را از طریق وحی و عصمت و عقل دریافت می‌کرد و به بشر ارائه می‌داد. این حقوق واقعی، قابل دفاع و مطالبه است، نه آنچه مثلاً فمینیست‌ها گفته‌اند. در واقع فمینیست‌ها نوعاً مردانی هستند که به فکر احیای حقوق زنان افتاده‌اند. در واقع آنان بیشتر به فکر مطامع خود هستند تا مطالب زنان! ضربه مهلک فمینیست‌ها به زنان به همان اندازه مخرب بوده که ضربه مارکسیست‌ها به کارگران و اومانیست‌ها به انسان. حال، بشر به خود آمده و محاسبه می‌کند که چه فریبی خورده و چه نیازی به حقوق واقعی خود دارد.

آنچه ضرورت بررسی تدابیر و حیانی پیامبر اکرم ﷺ و تأمین حقوق زنان را در عصر ما ایجاد می‌کند، همین سردرگمی ناشی از دریافت این ضربات است که عمدتاً در سده ۲۰ اتفاق افتاده است. حال که بشر پس از طی یک فرایند استهلاکی به معنویت روی آورده و حقوق الهی خود را می‌جوید، نباید ضربه‌ای دیگر بخورد و در گرداب معنویت منهای شریعت بیفتد و باید حق خود را مطالبه کند.

حال که معناشناسی مطالبات زنان روشن شد. زنان باید حقوقی را درخواست کنند که حق واقعی آن‌ها باشد و حکومت هم قبل از مطالبه آنان باید اعطای حق کند، اما از آنجا که اولاً حقوق زنان شناسایی نشده و ثانیاً حقوق حقیقی از حقوق

کاذب بازشناسی نشده است، لذا زنان از حقوق واقعی خود محروم مانده‌اند و به همین جهت است که با تحریکاتی به مطالبات نادرست روی می‌آورند و چیزی را درخواست دارند که چه بسا حق آن‌ها نیست و اگر هم ایفاء شود، قطعاً به مصلحت آن‌ها نیست که اگر بود شارع مقدس آن را در امورات تشریعی زنان لحاظ می‌نمود. لذا زنان از دو ناحیه ضرر می‌کنند؛ اول اینکه از اعتراض و ناخرسندی خود به حقوق کاذب می‌رسند و دوم اینکه از عدم معرفت به حقوق واقعی خود آن را مطالبه نمی‌کنند. آنچه به این دو ضرر می‌افزاید، گردوغبار فمینیست‌های مرد است که حقوق مردان را به زنان تحمیل می‌کنند و زنان را تبدیل به مردان می‌نمایند و نسخه شفابخش مدینه فاضله را برهم می‌زنند.

۲. مطالبه زنان در حکومت‌های مختلف

در طول تاریخ، حکومت‌ها براساس مبنای معرفتی و ایدئولوژیکی خاص خود تشکیل شده و بر همان مبنا به اداره جامعه تحت پوشش خود می‌پردازند. مثلاً در حکومت سلطنتی و شاهانه اصل بر لذت و قدرت است و زنان در آن، تشکیل‌دهنده حرم‌سرا هستند.

در حکومت‌های مارکسیستی، زنان به عنوان نیروی کار همدوش مردان در هر نوع میدان کار، باید کار کنند تا زنده بمانند، چرا که در چنین دیدگاهی اصالت با جامعه است، نه فرد.

در حکومت‌های لیبرالیستی که اصالت را به فرد می‌دهند، زن و مرد به عنوان یک فرد از حقوق مساوی برخوردارند، اما حقوق مجازی. در این دیدگاه هرچند زن آزاد و مساوی با مرد است، اما این آزادی و تساوی، زنان را تبدیل به یک جریان تجاری و اداری می‌کند. زنان در خدمت سرمایه‌گذاران، دیوان‌سالاران و امپراتوران رسانه‌ای قرار می‌گیرند و جاذبه‌های جنسی آنان به شکل رایگان و شایگان در خدمت «تراست‌ها» و «کارتل‌ها» قرار می‌گیرد. زنان در میدان مردان وارد می‌شوند و چون طبیعتاً قدرت مبارزه مردانه را ندارند عقب می‌مانند و متضرر می‌شوند. در این شیوه حکومت، خانواده هم متضرر می‌شود.

در حکومت‌های دینی - استبدادی، زنان در پستوی خانه‌ها به تولید نسل و نظافت خانه می‌پردازند و از آن‌ها با عنوان «ضعیفه» یاد می‌شود و زنان از حقوق اجتماعی خود محروم هستند. در این جامعه مردسالار زنان بی‌نقش‌اند.

با اندک تأملی، روشن است که رگه‌های جدی از افراط و تفریط در نگرش‌های حکومتی مذکور مشاهده می‌شود هرچند در این مجال فرصت پرداختن به مصادیق آنها نیست اما ناگفته پیداست که همین افراط و تفریط‌ها باعث شده که زنان غربی و شرقی در هر قاره تحت هر حکومت می‌نالند.

۳. طرح درخواست‌های زنان در حکومت پیامبر اکرم ﷺ

پیامبر اعظم ﷺ همواره مردان را به اکرام زن و درنظر داشت حقوق آنان سفارش می‌فرمود و منزلت والای آنان را گوشزد می‌کرد. آن حضرت اولین عامل آن تعالیم بود و باسیره زیبای خود الگو و راهنمای مردان در تعالیم و حفظ حقوق زنان بود.

سیره نویسان احادیثی از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند که فرمود: «أنا ابن العواتکه و أنا ابن الفواطم». در بین سلسله مادران حضرت، ۱۲ نفر از آنان عاتکه و ۴ نفر فاطمه نام داشتند. یعقوبی مورخ شیعه تأکید می‌کند که پیامبر اعظم ﷺ دو جمله فوق را بسیار به کار می‌برد. علت نیز آن بود که در جاهلیت زن‌ها بسیار تحقیر می‌شدند و حقوق آن‌ها پایمال می‌گردید. در ثانی گرامیداشت سلسله نسب افراد از جانب پدر منظور می‌گردید و نامی از مادران آن‌ها به میان نمی‌آمد. پیامبر اعظم ﷺ جایگاه همانندی با مردان برای زنان قایل بود و خلاف این عقیده که زن و نام او را مایه شرمساری می‌دانستند و حتی دختران خود را زنده به گور می‌کردند، آن حضرت ﷺ با افتخار از مادران خویش یاد فرمود.

آن حضرت ﷺ سهل‌انگاری در راه تلاش برای آسایش خانواده را سبب محروم شدن از رحمت الهی دانست و فرمود: «از رحمت خدا به دور باد کسی که خانواده خود را ضایع کند و آن‌ها را به حال خود واگذار نماید». از جمله مواردی که پیامبر ﷺ بر رعایت آن در امور زنان تأکید می‌کردند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. احترام به مقام زن در سیره نبوی:

یکی از آموزه‌های رسول خدا ﷺ که به صورت‌های مختلف در سخن و سیره ایشان تکرار شده، اعتقاد به کرامت زن است. رسول خدا ﷺ فرمود: «بهترین شما، بهترین تان با خانواده است و من بهترین شما با خانواده هستم. جز کریمان زنان را تکریم نکنند و جز انسان‌های پست زنان را تحقیر ننمایند».

۲. اختیار داری زنان در امر ازدواج:

ابوسلمه می‌گوید: زنی از انصار همسر مردی از انصار بود؛ شوهرش در جنگ احد به شهادت رسید و از وی فرزندی داشت. عموی بچه‌اش و مردی دیگر او را از پدرش خواستگاری کردند. پدرش او را به ازدواج مرد بیگانه درآورد و عموی فرزندش را کنار گذارد. دختر نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: پدرم مرا به ازدواج مردی درآورده که او را نمی‌خواهم. برادر شوهرم فرزندم را از من می‌گیرد. پیامبر ﷺ پدرش را فراخواند و فرمود: دخترت را به ازدواج فلان مرد درآوردی؟ گفت: بلی، فرمود: تو اختیاردار ازدواج دخترت نیستی [و رو کرد به دختر و فرمود]: برو با برادر شوهرت ازدواج کن».

چنان که ملاحظه می‌شود، تصمیم‌گیری در ازدواج برای زن غیرباکره به عهده خودش می‌باشد و انتخاب خود زن ارجحیت بر انتخاب پدرش دارد، چرا که در فقه شیعه اذن پدر فقط در ازدواج دختر باکره شرط است.

باید اشاره کرد در جامعه کنونی و با پیشرفت روزافزون علم و تکنولوژی هنوز بسیاری از مطالبات و مسائل زنان بی‌پاسخ مانده است که شاید علت عمده آن ارائه حقوق مجازی به جای حقوق حقیقی و محرومیت زنان از حقوق حقیقی خود و همچنین تحریک زنان توسط مردان مدعی حقوق زنان به مطالبات حقوق مجازی باشد. این مجموعه عوامل، ضرورت دستیابی به مجموعه حقوق واقعی زنان را در حکومت اسلامی که مبتنی بر وحی و عصمت است، ایجاب می‌کند. پس برای حل این مسئله باید در مدل حکومتی آن حضرت، مطالبات زنان و نحوه تأمین آن‌ها را جستجو نمود.

۳. ۱. مطالبات زنان در آیات قرآن

۱. ای پیامبر به همسرانت بگو: اگر زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند کرده و به طرز نیکویی رها سازم و اگر خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می‌خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است». (احزاب: ۲۸-۲۹)

شان نزول:

وقتی رسول خدا ﷺ از غزوه خیبر برگشت، درحالی که به گنج آل ابی‌الحقیق دست یافته بود، زنان او گفتند: از آنچه به چنگ آوردی به ما هم عطا کن. رسول-خدا ﷺ به آنان فرمود: طبق فرمان خدا بین مسلمانان تقسیم کردم. زنان عصبانی شدند و گفتند: شاید فکر کردی اگر ما را طلاق دهی ما مردانی هم طراز خودمان برای ازدواج پیدا نخواهیم کرد؟!

سپس خداوند به پیامبر ﷺ امر کرد ۲۹ روز در «مشر به ام‌ابراهیم» از زنان عزلت‌گزیند تا حیض و طهر آن‌ها تنظیم شود (لابد برای طلاق) و بعد آیات فوق را خواند. پس از خواندن آیات فوق، ام‌سلمه برخاست و گفت: من تو را و خدایت را برگزیدم و اختیار کردم و پس از ام‌سلمه زنان دیگر زنان برخاستند و گفته او را تکرار کردند. (طباطبایی، ۳۹۷/۱۶: ۳۱۴)

زنان پیامبر ﷺ از ایشان تقاضای اموال و زیاد شدن نفقه نمودند و او را تحت فشار و اذیت قرار دادند (به خاطر حسادت بعضی بر بعضی). رسول خدا ﷺ یک ماه از آنان کناره‌گیری کرد و سپس (آیه تخییر) نازل شد (احزاب: ۲۸-۲۹) زنان پیامبر نه نفر بودند که یکی از آن‌ها «حفصه» دختر عمر است. ابن‌عباس می‌گوید: حفصه و رسول خدا ﷺ مشاجره کردند و حفصه گفت: یک مرد باید بین ما حکم شود. پیامبر ﷺ دنبال عمر فرستاد، حفصه گفت: ای رسول خدا ﷺ حرف بزن و جز حق نگو! عمر دو سیلی به او زد. رسول خدا ﷺ گفت: بس کن. عمر گفت: اگر رسول خدا نبود آن قدر می‌زدم تا بمیری، ای دشمن خدا! رسول خدا جز حق نمی‌گوید. رسول-خدا ﷺ برخاست و یک‌ماه کناره گرفت و در غرفه‌ای ماند و به زنان نزدیک نشد و

در همانجا غذا می‌خورد و می‌خواهید تا آیات فوق (تخیر) نازل شد. (طبرسی، ۱۳۷۹: ۷۸/۵۵۵-۵۵۴)

طبق دو شأن نزول فوق، زنان پیامبر ﷺ در طرح مسائل و مطالبات خود کاملاً آزاد بوده‌اند و حتی با پیامبر ﷺ مشاجره می‌کردند، از او غضبناک می‌شدند و سهم‌خواهی و زیاده‌خواهی داشتند و رسول‌خدا را مجبور به انزوا و کناره‌گیری می‌کردند، اما پیامبر ﷺ به آن‌ها خشونت نمی‌کرد، تا خداوند با آیات تخیر آن‌ها را بین اختیار خدا و رسول و آخرت و اختیار دنیا و آزادی و طلاق مخیر و آزاد گذاشت و آن‌ها از این میان آزادانه خدا و رسول و آخرت را اختیار کردند.

این همه آزادی در مطالبه و انتخاب، آن هم برای زنانی که در زمان جاهلیت زندگی می‌کنند که هم انسانیت زن و هم زن بودن او فراموش شده بود، شگفت‌آور است.

از این آیات و شأن نزول آن‌ها حق تخیر و انتخاب برای زنان بین مادّیت و معنویت به دست می‌آید و نتیجه این آزادگذاری در مطالبه و انتخاب، برگزیدن معنویت است. می‌توان نتیجه گرفت که اگر زنان در یک فضای دینی و در حکومت نبوی و در بیت شریف او در انتخاب، آزاد گذاشته شوند، به انتخاب برتر یعنی انتخاب معنوی و آسمانی دست می‌یازند. معلوم می‌شود حق مطالبه و انتخاب و حق آزادی در یک فضای واقعی و وحیانی و انسانی به ثمره‌ای شیرین می‌انجامد و زنان را از هوس و حرص باز می‌دارد. جالب است که زنان پیامبر ﷺ طلاق را که آزادی از معنویات نبوی و وحیانی است انتخاب نکردند و آزادی واقعی را که ماندن در بیت نبوی بود، برگزیدند؛ یعنی با کمال آزادی از آزادی کاذب طلاق به آزادی واقعی روی آوردند.

پیامبر ﷺ می‌توانست با استفاده از قدرت سیاسی و اجتماعی خویش با همسران خود برخورد کرده و به آن‌ها تفهیم کند که شرایط همین است و باید بسازند؛ وظیفه‌شان اطاعت از شوهر است؛ آن هم شوهری مثل رسول‌خدا ﷺ که حاکم سیاسی است. یا اینکه می‌توانست شرایط بهتری برای آن‌ها فراهم کند و امکانات فوق‌العاده‌ای برای آن‌ها تهیه نماید، کاری که قدرتمندان سیاسی می‌کنند، اما

پیامبر اکرم ﷺ این کار را نکرد، بلکه فضای انتخاب آزادانه و آگاهانه را برای زنان فراهم آورد تا آن‌ها انتخاب کردند.

۲. «خداوند سخن زنی را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده بود و به خداوند شکایت می‌کرد شنید (و تقاضای او را اجابت کرد) خداوند گفتگوی شما را با هم (و اصرار آن زن را درباره حل مشکلش) می‌شنید و خداوند شنوا و بیناست». (مجادله: ۱)

شان نزول:

زنی به نام «خوله بنت خویلد» همسر «اوس بن صامت»، زنی خوش اندام بود. در هنگام سجده، همسرش به او نگاه کرد و پس از نماز از او برای عمل زناشویی خواهش کرد، اما زن ابا کرد. مرد عصبانی شد و به او گفت: «انت علی کظهر امی» (بدن و پشت تو مانند بدن و پشت مادر من است) یعنی او راظهار کرد که در جاهلیت با این گفته زن بر مرد حرام می‌شد، اما بعد پشیمان شد و گفت: تو بر من حرام هستی. زن گفت: این حرف را نزن. برو خدمت رسول خدا ﷺ و حکم را از او سؤال کن. مرد گفت: من خجالت می‌کشم. زن گفت: اجازه بده من سؤال کنم. مرد اجازه داد. زن خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا ﷺ همسر من اوس بن صامت است. وقتی با من ازدواج کرد، من جوان و ثروتمند بودم و فامیل فراوان داشتم که هر سه را از دست داده‌ام و اکنون پیر شده‌ام. حالا او با منظهار کرده، ولی پشیمان شده است. آیا مشکل ما قابل حل است؟ رسول خدا ﷺ فرمود: تو بر او حرام شده‌ای! گفت: به حق قرآن ما جدا نشویم. او پدر فرزندانم است و او را دوست دارم. رسول خدا ﷺ تأکید کرد که تو بر او حرام هستی و هیچ کاری نمی‌توانم برایت بکنم. زن اصرار کرد (و سعی می‌کرد رسول خدا ﷺ را مجاب کند)، ولی رسول خدا ﷺ همچنان بر حکم حرمت تأکید می‌نمود. زن ناله‌ای سر داد و گفت: من از این گرفتاری و از حال زارم شکایت به خدا می‌برم! ای خدا بر زبان رسولت جاری کن (آنچه صلاح است). عایشه که این واقعه را ملاحظه می‌کرد، خطاب به زن گفت: بس کن! مگر صورت پیامبر ﷺ را نمی‌بینی (حالتی مضطرب که موقع نزول وحی بر صورت پیامبر ﷺ دست می‌داد) پس از نزول وحی پیامبر ﷺ

فرمود: به همسرت بگو بیاید. آن گاه بر همسر او آیه فوق را تلاوت کرد. عایشه گفت: تبارک الله که تمام اصوات را می شنود. زنی با رسول خدا محاوره و گفتگو می کند، من در گوشه ای از خانه بودم و همه حرف او را نشنیدم، ولی خداوند شنید.

در هر حال قرار شد مرد کفاره ای بدهد (که در فقه آمده است) تا زن بر او حلال شود (همان: ۱۰-۹/۳۷۱)

اگر آیات قبل یعنی سوره احزاب در خصوص همسران پیامبر ﷺ بود، این آیه در خصوص یک شهروند معمولی جامعه اسلامی است که با پیامبر خدا ﷺ که از قانون ظهار پشتیبانی می کرد، این گونه مجادله می کند و پیامبر بارها بر حکم حرمت اصرار می کند و زن از میدان در نمی رود و نهایتاً خداوند از زبان پیامبر ﷺ به نفع او حکم می کند.

این سند افتخار است که برای ماندگاری آن نه تنها یک آیه بلکه یک سوره مستقل به نام آن ثبت می شود تا نشان دهد رسول خدا ﷺ دیکتاتور نیست، زنان در محضر او حاضر می شوند، مجادله می کنند، نمی پذیرد، اصرار می کنند و در نهایت دستگاه و حیانی، حق را به زن می دهد.

درست است که ظهار عرفی بود که تبدیل به قانون شده بود، ولی زن احساس می کرد ظالمانه است و به خاطر یک حرف، زندگی اش از هم می پاشد و به همسرش علاقه داشت و زنی متدین بود، پای بند به رسول خدا و وحی بود، حتی در صورت مخالفت کوچکترین بی احترامی به پیامبر نکرد. فقط حق خود را مطالبه کرد و در نهایت خداوند به نفع زن حکم صادر نمود.

پیامبر نیز از دست او عصبانی نشد. حرف او را شنید و حکم را بیان کرد و از کوره در نرفت. یعنی در این سیره عملی به زن حق انتقاد و حق مطالبه داد و نگفت زنان کم فهم و کج فهم هستند. نگفت تو را چه به این حرف ها، چه جرئتی داری با رئیس یک حکومت و دین بحث می کنی! اصرار زن باعث می شود حکمی منسوخ گردد. مقاومت و مطالبه به حق یک زن باعث تغییر یک قانون می شود و در قرآن به شکل جاویدان ثبت می گردد.

این دو، نمونه‌ای از طرح مسائل و مطالبات زنان در قرآن کریم است؛ پس زنان حق مطالبه دارند و قبل از این حق نیازی داشته‌اند، یا نیاز اقتصادی و رفاهی (آیه اول) و یا نیاز امنیت و خانواده (آیه دوم) که این مطالبات مورد اعتنا قرار می‌گیرد، ولی گاهی تأیید نمی‌شود (آیه اول) و گاه تأیید می‌شود (آیه دوم)؛ هرچند در آیه اول، آزادی و اختیار در انتخاب هم به آن‌ها داده می‌شود. آنچه در نهایت به دست می‌آید، تسلیم در برابر نظام حکیمانه و مورد اعتماد وحی است.

در اینجا باید بین «حق مطالبه» و «مطالبه حق» تفاوت قائل شد. آنچه از آیات فوق و نظایر آن فهمیده می‌شود، احترام شارع به حق مطالبه و به رسمیت شناختن آن می‌باشد، ولی اینکه مورد مطالبه حق است یا نه، پس از تأیید یا تکذیب یا تخییر شارع معلوم می‌شود. آن‌گاه است که معلوم می‌گردد امر مطالبه شده به مصلحت زنان هست یا نه.

از این رهگذر، آنچه مهم است، روح مطالبه و نوع برخورد لطیف رییس حکومت اسلامی با مطالبات زنان است. آری این فضایی است که زنان در مقابل شخص اول حکومت و دین از عزت و کرامت بهره‌مند بودند و از اظهار مطالبات به حق یا ناحق خود ابایی نداشتند و رسول خدا ﷺ هم بدون خشونت و اکنش و حیانی و عقلانی لازم را نشان می‌داد.

۳.۲. چگونگی برخورد با مخالفان

در حکومت پیامبر ﷺ مخالف وجود داشته است؛ هم دشمن داخلی (منافق و کافر) و هم خارجی (یهود و نصاری و کشورهای دیگر):

«این چنین در برابر هر پیامبری دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم. آن‌ها به طور سرّی (و در گوشی) سخنان فریبنده (بی‌اساس برای اغفال مردم) به یکدیگر می‌گفتند و اگر پروردگارت می‌خواست چنین نمی‌کردند (و می‌توانست جلوی آن‌ها را بگیرد، ولی اجبار سودی ندارد) بنابراین آن‌ها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار». (انعام: ۱۱۲)

گویا دشمن در رشد فرد و جامعه مؤثر است. به هر حال در انقلاب فرهنگی پیامبر ﷺ در جامعه مردسالار جاهلی که دخترکشی جزء رسوم بوده است و زنان حق عرض اندام در مقابل مردان نداشتند، یک‌باره زنان به حدی از آزادی نائل شدند که حتی در مقابل شخص رسول اکرم ﷺ به مجادله و محاوره پرداخته و حقوق خود را مطالبه و اخذ می‌نمودند. پیامبر ﷺ نیز چنان جایگاهی برای زنان قائل بود که دست دخترش فاطمه را می‌بوسید و جلوی او به احترام می‌ایستاد، عزیزترین جملات را در خصوص او اظهار کرد و بهترین چیزها را زن، عطر و نماز معرفی کرده و زن را ریحانه نامید، در جنگ‌ها از آنها استفاده می‌کرد و برخی مأموریت‌ها را به آنها می‌داد. مسلم است که این نوع برخورد به مذاق محافظه‌کاران خوش نمی‌آید، اما پیامبر ﷺ حتی مخالفان را محترم می‌شمرد. برخوردهای کریمانه‌ای که پیغمبر اکرم به عنوان حاکم اسلامی با دختران، همسران، زنان فامیل و زنان مدینه داشت، پاسخی قطعی و روشن به نفی برخوردهای ظالمانه می‌باشد. برای مثال وقتی عده‌ای از زنان پیش پیامبر ﷺ آمدند و از اینکه همسرانشان گوشت نمی‌خورند و با آنها نزدیکی نمی‌کنند و رهبانیت اتخاذ کرده‌اند، گله کردند، پیامبر اکرم ﷺ با حالت غضب به سراغشان رفت و گفت: «من ازدواج می‌کنم و گوشت می‌خورم، رهبانیت در دین من نیست». (پاینده، ۱۳۸۳: ۱۱۴۵)

در داستان دیگری، دختری اشراف‌زاده می‌خواست با جویری که سیه‌چرده بود ازدواج کند، ولی پدر دختر ممانعت می‌کرد. پیامبر ﷺ برخورد تند کردند و ازدواج صورت پذیرفت. (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۴/۵) این دفاع از حقوق یک دختر بود که بتواند آزادانه تصمیم بگیرد. همچنین دختر خود رسول خدا ﷺ در ازدواج با حضرت علی ﷺ آزادانه تصمیم گرفت. (حائری اسکویی، ۱۳۸۵: ۱۰/۳۵۸)

۳.۳. حکومت اسلامی و ظرفیت‌های ایجاد شده برای زنان

مراد از ظرفیت همانا ایجاد فرصت‌های بالفعل و بالقوه‌ای است که در یک انقلاب اسلامی و فرهنگی در عصر نبوی پدیدار شده است. در واقع انقلابی رخ داد و در عمل و نظر دگرگونی اتفاق افتاد. حال زنان حقوق و نیازهای خود را مطالبه می‌کنند و پیامبر ﷺ آنها را به عنوان یک واقعیت که نیمی از جامعه مدینه هستند،

می‌پذیرد و تقریباً در تمام صحنه‌ها آن‌ها را وارد می‌نماید. زنان ضمن اینکه مادر یا همسر یا دختر هستند به عنوان یک نیروی تأثیرگذار در اجتماع، سیاست و غیر آن شرکت دارند.

۳.۳. ۱. حضور در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی

زنان در حکومت دینی با حاکم اسلامی بیعت می‌کنند: «ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو می‌آیند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند با آن‌ها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است». (ممتحنه: ۱۲)

زنانی که در رژیم قبل هیچ نقشی در اجتماع و هیچ مشارکتی در سیاست نداشته‌اند حالا در رژیم نوین مدنی این چنین مورد اعتنا هستند و آرای سیاسی آنان مؤثر در مقبولیت یک حکومت آسمانی است. البته در ازای اعطای حق انتخاب، مطالباتی هم حکومت دارد که موحد بودن، عدم دزدی، عدم زنا، عدم فرزندکشی، عدم تهمت و افترا و عدم نافرمانی از حکومت است و آن‌ها می‌پذیرند و بیعت می‌کنند. جالب است که در میان آن‌ها «هند» همسر ابوسفیان معروف به هند جگرخوار هم هست! (کاشانی، ۱۳۴۴: ۸/۳۵۹) این یک نوع کرامت است که دشمن خویش را حق بیعت بدهی و برای او آمرزش بطلبی. چنین برخوردی با زنان در هیچ انقلابی در تاریخ رخ نداده است.

در شأن نزول این آیه آمده است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به کوه صفا و مروه آمد (پس از فتح مکه) با رجال مکه بر جهاد اسلام بیعت کرد، زنان هم تمایل به بیعت پیدا کردند و این آیه نازل شد. لذا می‌توان این آیه را هم از جمله آیاتی دانست که مطالبات زنان را در مطالبه‌ای سیاسی و مهم بیان می‌کند. حتی به یکی از شرایط بیعت یعنی عدم شرک اعتراض کردند که چرا برای مردان در حین بیعت چنین شرطی نبود!؟ (طبرسی، ۱۳۷۹ق: ۱۰-۹/۴۱۴)

۳.۳.۲. مشارکت در مهندسی حیات طیبه (مدینه فاضله)

«هر کسی کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم (حیات طیبه) و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.» (نحل: ۹۷)

درحالی که بعضی آیات قرآن با ضمیر مذکر مرد و زن را با هم اشاره می‌کند، در این آیه صریحاً «ذکر و اثنی» آمده تا تفهیم شود که در منشور حیات طیبه که جامعه فاضله مدنی است، زن و مرد دوشادوش هم شرکت و سهم دارند و این یک فرصت و ظرفیت اجتماعی و فعال است که برای زنان در عصر پیامبر اعظم ﷺ ایجاد شد. علامه طباطبایی ذیل این آیه آورده است:

این یک وعده زیبا است برای مؤمنان که اگر عمل صالح انجام دهند و نیز بشارتی است به زنان که خداوند بین آنان و مردان فرق نمی‌گذارد (در قبول ایمان و اثر عمل صالح آن‌ها) که همانا زنده داشتن به حیات طیبه است و نیز پاداش مطابق بهترین عمل آنان و این درحالی است که مبنای اکثریت بت پرستان و اهل کتاب از یهود و نصاری بر محرومیت زن از هر امتیاز دینی (یا اکثر امتیازات) و نیز پستی درجه زن از درجه مرد و قراردادن زنان در خفگی که قابلیت رفعت و الایی در کنار آن وجود ندارد می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۷ق: ۱۲/۳۴۱)

ایشان با برداشتی جالب، حیات طیبه را حیاتی جدید غیر از زندگی که عامه مردم دارند می‌داند و آن زندگی را توأم با بهاء، کمال، قوت، عزت، لذت و سرور بی‌پایان می‌داند، این حیات مخصوص مؤمنان و عاملان صالح است و این حیات طیبه در همین جهان شدنی است و زنان مثل مردان در هندسه آن شراکت دارند. (همان: ۳۴۲-۳۴۳)

۳.۳.۳. مشارکت در جنگ

آن گونه که در تاریخ آمده است، چهارده نفر زن، از جمله حضرت فاطمه ﷺ در جنگ احد حاضر بودند. آنان غذا و آب سربازان اسلام را بر پشت خود حمل

می کردند و به مجروحان آب می دادند و آنان را مداوا می کردند (واقدی، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۴۸) ام عطیه در هفت جنگ شرکت کرده است. (ابن سعد، ۱۳۸۸ق: ۱۱/ ۴۴۵) در جنگ احد از زنی به نام «نسیبه» نام برده می شود که از رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع می کرده و آن حضرت با لبخند عمل او را تأیید نموده و می فرماید: «مقام نسیبه از فلانی و فلانی برتر است». (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۴/ ۲۶۶) همین زن در جنگ با فتنه گر معروف «مسيلمه کذاب» یک دست خود را فدا می کند. (همان)

۳.۴. مشارکت ها و ظرفیت های اداری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اداره حکومت خویش منصب هایی برای زنان داشت:

- منصب زنان در امور حسبه (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳/ ۳۱۰)؛
- منصب ام ایمن به عنوان نگهبان (کتانی، ۱۳۷۵: ۱/ ۲۰۰)؛
- منصب ام ورقه، دختر عبدالله بن حارث به عنوان مربی قرآن (همان: ۴۷)؛
- منصب ام سلیمان بن ابی حثمه به عنوان معلم کتابت زنان (همان: ۴۹)

۳.۵. ظرفیت های علمی

مطابق حدیث معروف «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۷۷) دانش جوایی بر زن و مرد مسلمان واجب است، لذا ام ورقه مربی قرآن شد. اسماء زنی که به خطیب و نماینده زنان شهرت داشت به جمع رسول- خدا صلی الله علیه و آله و مردان وارد می شود، پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ سؤالات او را می دهند و وی را تشویق می کنند و می فرمایند: «آنچه گفتم به همه زنانی که از طرف آنان نماینده ای، ابلاغ کن» (ابن هشام، بی تا: ۳/ ۳۶۵)

این ها نمونه هایی از ظرفیت های ایجاد شده برای زنان توسط حکومت اسلامی در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در یک جمله می توان گفت در عصر نبوی یک جهش، یک جنبش و یک انقلاب در مورد جایگاه زنان و مشارکت آن ها در جامعه ایجاد گردید.

نتیجه گیری

از آنجایی که هدف حکومت اسلامی از توسعه مطالبات زنان و احیاء و بیان حقوق آنان، رساندن آن‌ها به کمال و سعادت دنیوی و اخروی بوده است. تکمیل مدینه فاضله و تحقق عدالت و استفاده از همه پتانسیل‌ها و ایجاد انگیزه معنوی در جامعه زنان در جهت پیوستن آنان به حرکت جمعی به سوی فلاح (فوز) است.

همچنین در مقابل مطالبات و حقوق، تکالیف و وظایفی هم قرار می‌گیرد که مانعی برای کمال و سعادت وجود نداشته باشد. به اصطلاح ترکیب حقوق و حدود یک تعادل ایجاد می‌کند تا زنان به دور از افراط و تفریط به آنچه شایسته و بایسته و است دست یابند؛ نه آنچنان آزاد شوند که نوعی گسیختگی به وجود آید که به ابتدال منجر شود و نه آنچنان اسیر و منزوی گردند که در کنج خانه‌ها فراموش شوند. به عبارت دیگر دوران جاهلیت تماماً حدود است و در شرایط جدید اگر حدود کاملاً برداشته شود، جامعه متلاشی می‌گردد که در حقیقت از جاهلیت اولی به جاهلیت مدرن می‌رسیم، آن‌چنان که که اکنون گرفتار آنیم.

محدودیتی به نام حجاب و جلباب در حقیقت یک مصونیت از اذیت و آزار و انگشت‌نمایی است؛ یعنی حالا که حق حضور در اجتماع پیدا کردی از حدّ حجاب و جلباب هم غافل مباش تا بدون آزار و مانع به کمال و سعادت برسی! و الاّ از چاله یک جاهلیت به چاه جاهلیت دوّم گرفتار می‌شویم. در جاهلیت اول انسانیت زن زیر سؤال بود، در جاهلیت دوّم زن بودن او. نباید از چاله تفریط به چاه افراط افتاد!

بنابراین، از آنجا که هدف، ایجاد مدینه فاضله است، حدودی نیز وضع می‌شود تا حقوق را هدایت کند. قوانین و تکالیفی مانند حجاب، عدم اختلاط زن و مرد، تقسیم کار معروف بین زن و مرد، تعیین مجازات‌هایی برای زنا و قذف و فحشاء، اطاعت واجب از همسر و سایر احکام ویژه بانوان که توسط رسول خدا ﷺ تشریح شد، مهارکننده آزادی‌هایی است که زنان به دست آوردند و تطیّف‌کننده ظرفیت‌های ایجاد شده محسوب می‌گردد.

پس هدف از مطالبات نجات از استانداردهای جاهلی است و این میسر نیست مگر با «حقوق محدود!»؛ یعنی حقوقی که حدودی را هم در قبال خود دارد. آن گاه است که زنان عامل کمال جامعه و جمال آن می شوند.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی تا)، سیره النبویه، [بی جا]: [بی نا].
- ایروانی، جواد و نادره ترقی (بی تا)، مطالبات قرآن از زنان با رویکرد اجتماعی، مشهد: مکتب نرجس.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، نهج الفصاحة، تهران: خاتم الانبیا.
- حائری اسکویی، موسی (۱۳۸۵)، احقاق الحق، ترجمه محمد عیدی خسروشاهی، تهران: روشن ضمیر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۷۹ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- قوامی، سید صمصام الدین (۱۳۸۴)، زنان، کارکردهای مدیریتی، تداخل نقش ها، ماهنامه پیام زن، ش ۱.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۴۴)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، چ ۲، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- کتانی، عبدالحی (۱۳۷۵)، نظام الحکومة النبویه المسمی التراتیب الاداریه، بیروت: شركة دارالارقم بن ابی الارقم.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۴۷)، کلیات مقدماتی حقوق، تهران: دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مصباح‌یزدی، محمد تقی (۱۳۷۶)، اخلاق در قرآن، تدوین محمد حسین اسکندری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.